

خبر کوتاه

برآورد اشتباه سفید و سبزها

وصال روحانی

رویکرد ذوب‌آهن به یک مربی خارجی جدید (میودراگ رادولووویچ مونته‌نگرویی) در حالی که فقط ۱۴هفته از فصل جاری لیگ برتر فوتبال کشور باقی مانده، اقدامی است که شاید به‌جای اثر مثبت تأثیر معکوسی بر سرنوشت سفید و سبزهای اصفهانی داشته باشد.
شاید پذیرفتن خواسته بعضی مسن‌ترهای ذوب‌آهن مبنی بر لزوم بازگرداندن علیرضا منصوریان از دید مدیران ذوب قابل اجرا نبوده باشد اما گر هم قرار بود که ذوبی‌ها به یک مربی جدید روی بیاورند و با فردی به جز علی منصور کار کنند، به سبب ضیق وقت باید یک مربی ایرانی را برمی‌گزیدند یا به معدود خارجی‌هایی روی می‌آوردند که به سبب پیشینه کارشان در ایران یا فضای فوتبال ما کاملاً آشنا باشند و بدانند که چه باید انجام دهند.
یک مربی سکندار ذوب‌آهن شده که یک تازه‌وارد تمام‌عیار در فوتبال ایران به حساب می‌آید و از مناسبات اینجا سر در نمی‌آورد، رقبای ذوب‌آهن، زمین‌ها و شرایط هر استان را نمی‌شناسد و نمی‌داند که از کدام موارد پرهیز کند و به چه چیزهایی روی بیاورد.
وی حتی نمی‌داند کدام تاکتیک‌ها برای ذوب‌آهن مناسب‌تر است و تناسب هر تاکتیک متخذه البته به روش کار تیم‌های مقابل هم مربوط می‌شود و مربی جدید ذوبی‌ها در این زمینه یک بی‌اطلاع محض است.

آنچه عقل حکم می‌کرد

عقل حکم می‌کرد که محمدی مدیرعامل جوان ذوب‌آهن و همکارانش به سبب شرایط سخت و خطیری تیم‌شان و وقت اندک برای ترمیم امور و با احتساب اهمیت ایفا در لیگ برتر با یک مربی ایرانی کاملاً آشنا با شرایط لیگ کنار می‌آیند و عنان کار را به دست وی می‌سپردند و اگر هم اعتقاد به سپردن کارها به یک مربی خارجی را داشتند، برای این مهم شروع فصل بعد را برمی‌گزیدند و در آن زمان مربی جدید خارجی ذوب‌آهن وقت به اندازه کافی می‌داشت تا همه چیز را شخصاً بسنجد، با شرایط آشنا شود، از خصوصیات لیگ و نیازهای تیمش کسب اطلاع کند و درباره تیم‌های رقیب نیز اطلاعاتی را ببیندوزد.
دو سه ماه کار پیوسته در ایام پیش فصل می‌توانست مربی خارجی ذوبی‌ها را به درجه‌ای و حدود لازم برای هدایت موفقیت‌آمیز آنان برساند اما اینکه که این مربی عملاً وقتی باز و فراخ برای شروع کارش ندارد، مجبور است در اسرع وقت به کارهای بپردازد که برای شروع هدایت هر تیمی لازم است و آشنا شدن با تک‌تک نفرات تیم و طراحی تاکتیک‌ها بر اساس خصوصیاتی که دارند و کارهای اولیه‌ای از این دست تنها چیزهایی است که از این مربی جدید برمی‌آید.

نقش مهم تر بازیکنان

از آنجا که رادولووویچ نمی‌داند حریفان چگونه‌اند و در هر شهر که فضای متفاوتی دارد چطور باید بازی کرد، هر نتیجه‌ای که ذوب در ادامه فصل بگیرد، بیش از آنکه محصول دانش –تاکافی– مربی جدید ذوبی‌ها باشد برخاسته از توان ذاتی بازیکنان و روش‌هایی است که آنها برای هر دیدار مناسب‌تر می‌دانند و در اینگونه موارد نقش سرمربی اندک و سهم و جای سایرین عمده‌تر می‌شود.
از زمان رفتن سعید آذری به جنوب کشور و انتصاب وی به‌عنوان مدیرعامل فولاد خوزستان، روال کارها در ذوب‌آهن نظمی را نیافته که گمان می‌رفت در دوره پس از رفتن آذری حاصل خواهد آمد.
شاید ابقای آذری می‌توانست با اتخاذ تصمیم‌هایی بهتر برای ذوبی‌ها همراه شود و ذوب را با شرایط فکری بهتر و به‌تبع آن با برنامه‌هایی غنی‌تر راهی میدان‌های بعدی کند اما آنچه اینکه در ذوب جریان دارد و رویکرد به یک خارجی –ولو خوب– نشان می‌دهد که سران این باشگاه اصفهانی برخلاف اوضاع بسیار بهترشان طی اکثر زمان‌ها در ده دهه اخیر تسلط لازم را بر امور ندارند و به تبع آن تصمیم‌های چندان درستی را هم نمی‌گیرند.

نوعی خودزنی

با اینکه امکان کسب نتایج لازم با این مربی خارجی جدید هم وجود دارد و شاید با وی نیز بتوان در لیگ برتر ماندنی شد و تا نیمه‌های جدول بالا آمد و اصولاً در فوتبال و در کل ورزش‌ها هر اتفاقی امکان‌پذیر است اما اگر هدف از اتفاقات اخیر رسیدن به سطح بهتری از هدایت فنی ذوبی‌ها و داشتن یک کادر فنی کارآمدتر بود، با انتصاب مربی فعلی لااقل در کوتاه‌مدت چنین حاصلی بر جای نمی‌ماند.
ذوبی‌ها البته روزه‌های پروپیمان از رادولووویچ را به رسانه‌ها ارائه داده و بر فتوحات و دستاوردهای متعدد قبلی این مربی ۵۲ ساله پای شش‌دهنده اما این فتوحات تضمینی بر توفیق وی در ایران در مهلت اندکی که دارد، نیست و برعکس احتمال ناکامی او بیشتر است و در آن صورت حفظ وی برای فصل بعد هم براساس قرارداد یک سال و نیمه وی سخت‌تر خواهد شد و این به معنای مستقیم و صریح کوتاه کردن عمر کاری وی و نوعی خودزنی آشکار و البته هدر دادن پولی هنگفت است.
کارهایی که البته اکثر تیم‌های ایرانی در انجام آن تخصص دارند.

سایا و پرسپولیس؛ آخرین بازی تدارکاتی

پرسپولیس آخرین حریف تدارکاتی تیم فوتبال سایپا قبل از شروع بازی‌های نیم فصل دوم خواهد بود.

نارنجی پوشان امروز یکشنبه در آخرین بازی تدارکاتی خود، پیش از شروع رقابت‌های نیم فصل دوم لیگ برتر به مصاف پرسپولیس خواهند رفت.
مکان برگزاری این بازی هنوز مشخص نشده است.

اولین بازی نارنجی پوشان پس از تعطیلات، روز پنج بهمن ماه در سیرجان و برابر گل گهر خواهد بود.

رسول بهروش

فوتبال ایران در یک بزنگاه تاریخی شگفت‌انگیز قرار گرفته است؛ روزگاری غریب و پر از مجهول که ممکن است پایان ناخوشایندی داشته باشد. برانکو ایوانکوویچ سه ماه قبل از ترک ایران در مصاحبه‌ای مهم پیش‌بینی کرد: «فوتبال ایران به زودی امانتور خواهد شد» و حالا به نظر می‌رسد گام به گام در حال نزدیک شدن به همین مرحله هستیم. خیلی کوتاه و گذرا، فقط چند گرفتاری اصلی حال حاضر فوتبال ایران را بخوانید تا بدانید در مورد چه چیزی حرف می‌زنیم؛ شاید از یک بومی‌گرایی ناگزیر، یک حصر خانگی غم‌انگیز.

فدراسیون بدون رئیس

در حال حاضر فدراسیون فوتبال ایران بدون رئیس اداره می‌شود. سرپرست موقت فدراسیون حیدر بهاروند است که چندان به رسمیت شناخته نمی‌شود؛ همچون سرپرست پست دبیرکلی که ایراهیم شکوری است و بیشتر نوعی «شوخی» محسوب می‌شود. مهدی تاج استعفا داده و رفته؛ کسی نمی‌داند واقعا قلیش درد می‌کرد یا درد از ناحیه قرارداد ویلموتس و سایر مسایل بود! حتی ممکن است استعفا ی او شبیه کناره‌گیری چندی قبل محمدرضا ساکت باشد؛ مردی که ظاهراً رفته، اما در واقع هنوز بر همه چیز نظارت دارد. او رییس غیررسمی این فوتبال است، مردی که اخیراً بار دیگر شائبه لیسانس نداشتنش مطرح شد! آدم‌های کهنه و امتحان پس‌داده با افکار پوسیده هنوز هستند و شاید آنقدر به این چسبندگی ادامه بدهند که نهایتاً چیزی از فوتبال باقی نماند.

تیم ملی در خطر تعطیلی سه ساله

در حال حاضر فدراسیونی که رییس ندارد باید برای تیم ملی ایران سرمربی انتخاب کند. زمانی که رییس داشتیم، اوج هنر دوستان انتخاب مارک ویلموتس یا آن قرارداد افسانه‌ای بود. در آن زمان فدراسیون ابتدا با هروه رنار فرانسوی به توافق رسید، اما به بهانه یک عجله یک ماهه ببخودی، آن توافق را به هم زد و با ویلموتس قرارداد بست. نه به بررسی خواهیم کرد.

بالا نگه داشتن تیم برنده

شاید این جمله بیش از حد کلیشهای به نظر برسد، اما کاملاً درست و منطقی است: «صعود به قله دشوار است، اما در قله ماندن بسیار سخت‌تر خواهد بود.» این حکایت پرسپولیس است. یحیی گل‌محمدی تیمی را تحویل گرفته که سه فصل پشت سر هم قهرمان شده و در نیم‌فصل اول امسال هم از هر سه سال قبلی بهتر نتیجه گرفته است! بالا نگه داشتن این تیم از جهات مختلف دشوار است؛ هم از حیث تزریق انگیزه به بازیکنان اشباع‌شده و هم از این جهت که هر نتیجه‌ای غیر از استمرار موفقیت‌ها، یک ناکامی بزرگ برای کادرفنی جدید محسوب خواهد شد. بعد از آنکه برانکو سه قهرمانی آورد و کالدرون هم همان روند را حفظ کرد، برخی هواداران پرسپولیس به سطحی از شکم‌پزدی رسیدند که در صفحه اجتماعی مربی آرژانتینی کامنت‌هایی با این مضمون می‌گذاشتند: «تیم ما با چوب خشک هم قهرمان می‌شود.» و همین مساله نشان می‌دهد حتی مقام دومی لیگ هم برای یحیی یک شکست بزرگ خواهد بود. قطعاً او به زودی با فشار روانی وحشتناک ناشی از این انتظارات مواجه خواهد شد. فراموش نکرده‌ایم وقتی کالدرون کارش را در پرسپولیس شروع کرد، بعد از شکست برابر تراکتورسازی در همان هفته



آن تعجیل نابخردانه، نه به این غفلت طولانی فعلی؛ غفلتی که گزینیه‌ای مطلوب مثل برانکو ایوانکوویچ را هم از کف تیم ملی ربود. ظاهراً دوستان تصور می‌کردند برانکو توی جیب‌شان است و هر وقت اراده کنند با کله به ایران می‌آید، اما اینطور نشد

و حالا می‌گویند او با فدراسیون فوتبال عمان برای هدایت تیم ملی این کشور به توافق رسیده است. در حال حاضر تیم ملی سرمربی ندارد و این در حالی است که ما در آستانه حذف از هر مرحله پیش‌مقدماتی جام‌جهانی هستیم؛ اتفاقی که اگر رخ بدهد، فوتبال ملی ایران را تا سه سال تعطیل خواهد کرد. این یک وضعیت فاجعه‌بار است که می‌تواند دوران طلایی خیلی از ستاره‌های جوان و مهم تیم ملی مثل بیرانوند، جهانیخش، طارمی، آزمون … را بسوزاند. آیا شما عزمی جزم برای جلوگیری از این فاجعه می‌بینید؟

المپیک؛ سال‌های بی‌پایان حسرت

اگر تعطیلی احتمال تیم ملی بزرگسالان یک فاجعه جدید و بی‌سابقه باشد، تعطیلی تیم امید یک خبر کاملاً تکراری است؛ تیمی که هر از گاهی برای شکستن طلسم صعود به المپیک تشکیل می‌شود، اما هر بار با ناکامی مجدد، رنگ خاموشی

این روزهای فوتبال ایران؛ حصر خانگی!

با کسر امتیاز و محرومیت‌های نقل‌وانتقالاتی نشان داده است. الان با توجه به افزایش نرخ ارز، دشواری در جابه‌جایی پول و نیز کاهش مستمر منابع مالی، خطر این شکایات و مجازات‌های ناشی از آن بیشتر هم شده است. حالا حتی خود فدراسیون هم به خاطر شکایت مارک ویلموتس تحت فشار است و اگر ادعای همسر مربی بلژیکی در مورد غرامت چند میلیون یورویی درست باشد، با یک دردسر اساسی مواجه خواهیم شد.

زنان؛ آتش زیر خاکستر

آخرین خبر، مهم‌ترین خبر است؛ اینکه جانی اینفانتینو رسماً اعلام کرده به زودی برای مطمئن شدن از حضور آزادانه زنان تماشاگر در مسابقات لیگ، بار دیگر به ایران سفر خواهد کرد. می‌دانیم و می‌دانید که یکی، دو حضور قبلی زنان در فینال لیگ قهرمانان آسیا و بازی ایران و کامبوج هم تحت شرایطی محدود و خاص انجام شد و کلی گیر و گرفتاری داشت. این فرق می‌کند با آنکه رییس فيفا –احتمالاً بدون برنامه مفصل قبلی– برای تماشای یک مسابقه لیگی معمولی به تهران بیاید و بعد شاهد حضور آزادانه زنان روی سکوها باشد. فدراسیون فوتبال ایران تا کنون با ترندن اجرای تدریجی آزادسازی حضور زنان، از فيفا زمان خریده بود، اما حالا ممکن است واکنش فدراسیون جهانی به ادامه این ممنوعیت، بسیار شدیدتر از تصور ما باشد. قطعاً تا پیش از پایان سال جاری خورشیدی، اتفاق مهمی در این زمینه رخ خواهد داد؛ اتفاقی که شاید به تنگ‌تر شدن حصر فوتبال ایران منجر شود.

سیلی آخر؛ همه محروم شدیم

این سیلی آخر اما دردش از همه بیشتر بود. کنفدراسیون فوتبال آسیا برای فصل جدید لیگ قهرمانان، میزبانی همه تیم‌های ایرانی را لغو کرد. این فرق می‌کند با داستان ما و عربستان که هر دو در زمین بی‌طرف بازی می‌کردیم؛ الان آنها در شهر و کشور خودشان میزبان هستند و زمین ثالث فقط سهم ماست. این خواب سنگین، این کابوس باورنکردنی کجا قرار است متوقف شود؟



صدایش را بلند می‌کند. قطعاً او در این زمینه هم چالش بزرگی خواهد داشت که بعدها بیشتر در موردش می‌خوانیم و می‌شنویم.

نتیجه گرفتن با تیم پرستاره

همانطور که مدیرعامل پرسپولیس هم موقع اعلام دلایلش برای انتخاب یحیی گل‌محمدی گفت، بزرگترین ویژگی مثبت او در این سال‌ها نتیجه‌گیری با تیم‌های متوسط و کم‌ستاره بوده است. شاید تنها دوران کاری حضور یحیی در کنار تیم‌های بزرگ، به دو مقطع چند ماهه سرمربیگری در پرسپولیس و تراکتورسازی محدود شود که آن هم چندان موفقیت‌آمیز نبود. تعداد پیروزی‌های گل‌محمدی در هیچکدام از این دو تیم حتی به نصف هم نرسید تا این تردید در مورد او به وجود بیاید؛ اینکه یحیی فقط در محیط‌های کم‌فشار و دور از کانون دید قابلیت‌هایش را بروز می‌دهد. طبیعی است که در آغاز دهم دوم دوران سرمربیگری‌اش، یحیی با پرسپولیس پرستاره فعلی باید نشان بدهد توان نتیجه‌گیری با تیم‌های بزرگ را هم دارد.

اخبار

خبر دلی میل؛

استوکس ۶ ماهه در پرسپولیس

دقیقا از یک هفته قبل بود گمانه زنی ها در خصوص پیوستن آنتونی استوکس ستاره فصل گذشته تراکتورسازی به پرسپولیس ایران توجه تمامی اهالی فوتبال و رسانه ها را به خود جلب کرد.این خبر اما حالا وارد فاز جدی تر شده‌است تا جایی که dailymail انگلیس در خبری از امضای پیش قرارداد شش ماهه میان این بازیکن با باشگاه مطرح ایرانی خبر داد. به نوشته dailymail نماینده های بازیکن ایرلندی و باشگاه پرسپولیس برای حضور شش ماهه استوکس در تهران به توافق رسیدند و به همین خاطر پیش قراردادی امضا شد تا آنتونی با این قرارداد بعد از ترک اسکاتلند در سال ۲۰۱۸ پیراهن پنجمین باشگاه خود را به تن کرده و رکوردی عجیب از خود برجا بگذارد. در گزارش dailymail آمده است:«آنتونی استوکس مهاجم ۳۱ ساله ایرلندی قرار است برای شش ماه پیراهن پرسپولیس در تهران را برتن کند.او که اوایل نوامبر ۲۰۱۹ بعد از یک بار گلزنی در شش بازی برای آداناسپور قراردادش را فسخ کرد حالا در پنجمین تغییر تیم بعد از ترک اسکاتلند در سال ۲۰۱۸ قرار است برای مدافع عنوان قهرمانی ایران به میدان برود.»
به نوشته دلی‌میل استوکس در دو سال یک بار برای تراکتورسازی، یک بار برای باشگاهی یونانی، یک بار در ایرلند، یک بار در ترکیه و حالا برای پرسپولیس ایران به میدان خواهد رفت.او که متولد شهر دوبلین است بعد از رشد در آکادمی آرسنال کار خود را با شل بورن در ایرلند آغاز کرد و حالا در ۳۱ سالگی پیراهن یکی از بزرگ ترین باشگاه های ایران و آسیا را برتن خواهد داشت.

بشار و عالیشاه،

مهر‌های کلیدی تیم یحیی؟

سرخپوشان تهرانی که یک تغییر دیگر را روی نیمکت خود تجربه کرده اند، حالا زیر نظر یحیی گل محمدی آماده ادامه مسابقات می‌شوند. سرمربی ۴۸ ساله این تیم که تفکرات تاکتیکی متفاوتی نسبت به گابریل کالدرون آرژانتینی دارد، به احتمال زیاد در ترکیب نیز تغییراتی را اعمال خواهد کرد تا تصویر جدیدی از پرسپولیس در نیم فصل دوم نمایش داده شود. ۷ سال پیش گل محمدی در لیگ دوازدهم هدایت پرسپولیس را برعهده داشت و آن زمان نشان داد که علاقه ویژه‌ای به بازیکنان کوتاه قامت و ریزنقش در میانی و حتی خط حمله دارد. آن سال، ولانکو گروزدانوسکی ۲۹ ساله و اهل مقدونیه، مهره مورد توجه گل محمدی بود و در بیشتر بازی های موفق فصل دوم بازی کرد و در برابر نفت تهران هم موفق به گلزنی شد. علاوه برا، غلام رضا رضایی و مهرزاد معدنچی نیز در خط حمله برای تیم گل محمدی به کار گرفته می‌شدند. در اکثر بازی های تیم پرسپولیس، حداقل ۲ بازیکن با چنین مشخصاتی در ترکیب بودند که برای حرکات سرعتی به کار تیم پرسپولیس می‌آمدند. باتوجه به این ویژگی های یحیی که در تراکتور، ذوب آهن و شهرخودرو نیز تکرار شد، انتظار می‌رود بازیکنانی چون امید عالیشاه و بشار رسن در تیم فعلی پرسپولیس مورد توجه گل محمدی باشند و در ترکیب اصلی قرار بگیرند. بشار رسن در هفته های پایانی نیم فصل اول عنصر فیکس تیم کالدرون بود و عملکرد بسیار خوبی هم داشت اماعالیشاه خیلی مورد توجه نبود و حتی تا آستانه جدایی نیز پیش رفت.اگرچه این ویژگی تیم گل محمدی در چند تیم مختلف تکرار شده‌اما تا بازی با تراکتور نمی توان حدس دقیقی از چیشش بازیکنان پرسپولیس زد و باید دید سرمربی ایرانی سرخ ها چه تصمیمی خواهد گرفت.

دستیار ویلموتس با سرمربی جدید تیم ملی کار نمی‌کند

بهار امسال بود که مارک ویلموتس به عنوان سرمربی تیم ملی انتخاب شد و با خواست فدراسیون فوتبال وحید هاشمیان را به عنوان دستیار ایرانی‌اش معرفی کرد. هاشمیان مهاجم سابق تیم ملی در سال‌های اخیر زمان زیادی را صرف گذراندن دوره‌های پیشرفته مربیگری کرد و برخلاف کلاس‌های خودمان که مربی با دو یا سه هفته حضور پای صحبت‌های مدرسان داخلی و خارجی مدرک مربیگری می‌گیرند،سال‌ها وقت گذاشت تا مدرک پیشرفته مربیگری گرفت. او پنج‌شنبه شب بدون سر و صدا به آلمان رفت تا پس از مدت‌ها در کنار خانواده باشد،وحید سال‌هاست در آلمان سکونت کرده و اعضای خانواده‌اش حتی در زمانی که او در ایران سر کار بود در اروپا مشغول گذران زندگی بودند که احتمالاً به خاطر دوره تحصیلی فرزندش بوده است.اما این سؤال به وجود آمده که چرا هاشمیان در روزهایی که قرار است سرمربی جدید تیم ملی معرفی شود تهران را ترک کرد.

فدراسیون فوتبال قبلاً گفته بود احتمالاً یک مربی وطنی جاشین مارک ویلموتس بلژیکی می‌شود.وحید در هفته‌های قبل هم می‌توانست به دیدن خانواده برود، اما در نزدیک‌ترین روزها به اعلام نام سرمربی تیم ملی راهی آلمان شد. محتمل به نظر می‌رسد که هاشمیان اواخر هفته قبل فهمیده چه فردی سرمربی تیم ملی می‌شود و ۲ حالت وجود دارد.اول اینکه هاشمیان نمی‌خواهد با سرمربی جدید همکاری کند و شاید هم سرمربی جدید نمی‌خواهد با او همکاری داشته باشد.حالت دوم که ضعیف‌تر به نظر می‌رسد هاشمیان با سرمربی تیم به تفاهم رسیده و با هماهنگی او چند روزی به آلمان رفته تا پس از دیدن خانواده برای چند ماه کار فشرده تیم ملی در مرحله گروهی جام جهانی تمام و کمال در اختیار تیم ملی و سرمربی باشد. خصوصیات اخلاقی هاشمیان احتمال قطع همکاری‌اش با تیم ملی را قوت می‌بخشد.از برانکو، علی دایی، امیر قلعه‌نویی و… به عنوان گزینه‌های جدی سرمربیگری تیم ملی نام برده می‌شود.وحید حداقل با دایی در سال‌های هیمازی بودن رابطه مستحکمی نداشت و با امیر قلعه‌نویی در سال ۸۶ سابقه کار در تیم ملی را دارد. تیمی که در حلقه یک‌چهارم نهایی جام ملت‌های ۲۰۰۷ مالزی حذف شد و رابطه هاشمیان و سرمربی وقت خیلی گرم نشد.